

## کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار زمانی برای ارزیابی عملکرد و سنجش ادعاها

اگر از یک فعال و نماینده محیط کار کارگران در کشورهای صنعتی سوال شود کارکرد سازمان جهانی کار چیست؟ در اولین عکس العمل می گوید نمی دانم و شاید بخاطر اسم آن یک توضیحی بدهد، اما اگر همین سوال را از فعال کارگری کره، فیلیپین، بنگلادش و کلمبیا بپرسیم می گوید محل اندازه گیری پیش رفت یا پس رفت شرایط کار در کشورها، آخرین متد ارزش افزایی کالای کار و ضد و بند اقتصادی است

چرا فعالین کشورهایی که سرکوب شده و خفقان زده هستند به این مکان اندازه گیری نیاز دارند جوابش بسیار ساده است تا بتوانند یک حفره ی کوچک که بتوانند دستگیری ها و زندان فعالین کارگری را کاهش دهند ایجاد کنند و قوانین بسیار ساده بعد از جنگ سرد شامل آنها نیز بشود و بقول عامیانه یک نفسی بکشند و از این ستون به ان ستون فرجی است، والا کارگر فیلیپینی، کره ای و کلمبیایی که کشورشان زیر نفوذ پایگاههای نظامی امریکا ست بخوبی می دانند مشکل اصلی شان کجاست و نقش اقتصاد زنجیره ای چیست، اقتصاد بومی و غیر استاندارد چه معنایی دارد و مهمتر از همه این که به اندازه ای که عمل می کنند حرف می زنند و خودشان را جلو می اندازند نه دیگران را و در واقع باید گفت که نشست سالانه چند درصد کوچک از فعالیتهای آنها را تشکیل می دهد. و بسیاری از وکلای فرهیخته را در کنار خود دارند و نیازی به کمکهای بنیاد جامعه باز جورج سوروس ندارند. اثری از جریانات چپ این کشورها نیست که اطلاعیه و یا نظر بدهند. اگر نظر هم می دهند در جهت بهتر شدن و کمک کردن است و جنبش کارگری این کشورها هم تمامی خواسته اش را تنها از یک یا چند کنفدراسیون نمی خواهد و در شرایط متفاوت عکس العمل متفاوت نشان می دهد

اساس مبارزات طبقاتی این دوران سیاست خودش را بوجود آورده است و بر همین اساس است که اگر نگاه کنیم به لیست نمایندگان هیئت مدیره سازمان جهانی کار نماینده دولتها اکثر از کشورهای سرکوبگر و غیر صنعتی می آیند (عربستان سعودی، ترکیه، گواتمالا، مراکش تا ایران) و نمایندگان کارگری از کشورهایی می آیند که سنت مبارزات همبستگی کارگری و یا همبستگی جهانی داشته اند (بلژیک، ایتالیا، هلند و کانادا) و نمایندگان کارفرماها از کشورهای صنعتی (اسپانیا، آلمان، استرالیا، نروژ و مکزیک) البته چند کشور صنعتی که اغلب کشورهای استعمارگر بوده اند (ویا شرایط ویژه دارند) در هر دو لیست کارفرمایی و کارگری هستند (امریکا، فرانسه، ژاپن و هند). رکن اصلی آی ال او در دست کارفرماها است و کارفرماها برای جلوگیری از تدروی و خواست زیاد سرکوب دولت های غیر کارگری آنها را در مقام اجرایی قرار می دهند زیرا شرایطی را در روابط کارگری کشور خودشان و جلوگیری از تند روی بخش کارگری نیاز دارند

[http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed\\_norm/---relconf/documents/meetingdocument/wcms\\_557862.pdf](http://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---relconf/documents/meetingdocument/wcms_557862.pdf)

شاید این نوشته کمکی باشد به نگاه غیر کارگری و سیاسی به نشست سالانه سازمان جهانی کار برای فعالین کارگری خارج از کشور که محلی شده است برای به رخ کشیدن همدیگر، برای دوری و نزدیکی اشان به مبارزات کارگران ایران و همکاری با تشکلات محل اقامت اشان و در منفی ترین بخش آن تحقیر جنبش کارگری که این جنبش نهایتن هم این کارکرد سازمان جهانی کار را برای ایران می خواهد

[http://www.azadi-b.com/J/2017/06/post\\_131.html](http://www.azadi-b.com/J/2017/06/post_131.html)

اگر به لینک مصاحبه بالا مراجعه شود در انتهای مصاحبه، مصاحبه کننده از فعال اصلی تظاهرات سالانه در مقابل سازمان جهانی کار سوال می کنند که تظاهرات دیگری در روز دوشنبه نیز برگزار می

شود مصاحبه شونده می گویند بله اینها گروههای سیاسی هستند، در صورتی که یک پای آن تظاهرات (همین نهاد است)

دهها نامه سرگشاده البته به فارسی که مخاطب اش معلوم است کیست از طرف گروهها نوشته می شود و حتی افراد منفرد سیاسی که در کانون های تحت حمایت از کارگران ایران جمع شده اند در اولین سطر اطلاعیه شان می نویسند ما توهمی به سازمان جهانی کار نداریم ، در این صورت چرا اطلاعیه می دهید؟ چرا سیاهی لشکر درست می کنید؟ چرا با همه تماس می گیرید و می گویند این اطلاعیه را امضا کنید امسال با سالهای قبل فرق دارد و نمایندگان واقعی دارند می آیند! یا می خواهید بقول زنده یاد غلامحسین ساعدی در "اتلو در سرزمین اعجاب" بروایت و عملکرد آخوندها " املیا را ام لیلیا بکنید" و از این نهاد بوروکراتیک در عملکردش و بسیار تخصصی در روشش یک حزب بلشویکی در بیاورید؟ بوق و کرنا می کنید که هم درون سالن از آن ما است و هم خیابان! در سالن اگر کسی جلسات کنفرانس کارگری سوئد را حمایت نمی کنند چون فدراسیون ها معتقد هستند که کنفرانس سوئد باید در چهارچوب مناسبات خود و وظایف خودش کار کند و نباید دخالت در کار دیگران بکند، کمک به کارگران ایران به راههای دیگری نیاز دارد هر کسی باید کار خودش را بکند. کنفرانس سوئد بسیار محافظه کار است و دخالت در مبارزات کارگران ایران در دست افرادی است که سازو کار حرکت جمعی را نمیدانند و بیشتر به فکر تعامل با دولت ایران هستند و بیشترین ضربه را به کارگران سوئدی می زنند. در غیر این صورت چرا اتحادیه های سوئد و فرانسه جلسات خصوصی برای روشننگری از وضعیت کارگران ایران می گزارند؟ کدام دولت و نهاد کارگری است که وضعیت ایران و کارگران ایرانی را نداند! چرا از صحن علنی خود سندیکا های کشور خودشان برای دفاع از شریط کارگران ایران استفاده نمی شود؟ همان کاری که اتحادیه مواد غذایی انجام داد، کنفرانس های خصوصی برای ایران تنها به تعامل های پشت پرده کمک میکند و نفعی برای کارگران ایران ندارد. این را باید گفت که در ایران هیچگاه نگاه به جایگاه این کنفرانس ها تغییری نکرده است و اکثرا به غیر از طیف فرهنگ توده ای و مجاهد می دانند که شرایط تغییر وضع موجود در دست خود کارگران است و گزارشات شان برای ثبت در تاریخ و در روند همان گزارشات سالیانه ای است که روندش بدتر شده است اما هنوز جایگاه سازمان جهانی کار همان سنت جنگ سرد و کمینترن است که پیش می رود. نیروهای سیاسی هم تا حدودی برای رشد اقتصاد کشور محل زندگی شان کمک می کنند

دو روش در خارج از کشور وجود داشته و دارد. یک همکاری و استمرار رژیم که نمایندگی آن در دست افراد سابقا توده ای و یا گرایش توده ای است و یا افرادی که از خود حزب توده هستند و دوم روش سازمان مجاهدین است که باید از طریق آشنایی و سخنگو کردن فقط نمایندگان اتحادیه های کارگری نه خود کارگران خواست کارگران را پیش برد. روش اول و دوم همیشه نگاهش به بالا و زد و بند با قدرت ها بوده است. کسانی که از روش اول استفاده می کنند ، برای کارگران در ایران همین الان کار جور می کند تنها کافی است چرخه بزنیم تا ببینیم چند فعال سابق کارگری در شرکتهای کیسون و ساختمان سازی مشغول به کار هستند و چند فعال کارگری از طریق گرفتن کمک مالی خیریه ای به پیشاهنگ مبارزاتی تبدیل شده اند. البته عرصه اصلی که همانا حمایت بدون چشم داشت و همبستگی طبقاتی بسیار محدود است

خوشبختانه اعتراضات در روز اول نشست سالانه سازمان جهانی کاردیگر نیست و هنوز تظاهرات محدود خارج از ساختمان برگزار می شود، تظاهراتی که در اصل اگر همین اتحادیه های کارگری کنفرانس مطبوعاتی ترتیب می دادند و خودشان حرف می زدند و قطعنامه برای به رسمیت شناختن حق تشکل در ایران و خواست شان از کشور خودشان انجام می شد می توانست تاثیر بیشتری داشته باشد. اما جهانی شدن سهم کارگر را نیز باید در نظر گرفت و گرنه سهم پژو، رنو و کمپانی توتال برای کارگر فرانسوی از جنبش کارگری ایران مهمتر است

<http://www.presstv.ir/Detail/2015/04/28/408525/Iran-Khodro-Peugeot-car-manufacturing>

از سال گذشته قراردادهای فرانسه و ایران افزایش یافته و تا سال 2025 بیشترین سهم تجاری ایران با فرانسه است یا تولید 1300 اتوبوس و قراردادهای میلیاردهای سوئدی در فوریه امسال برای کارگر سوئدی مهم تر از کارگران ایرانی است.

<https://www.scania.com/group/en/scania-renews-public-bus-systems-in-iran>

L

اما چرا سنت کمینترن مطرح شد چون تنها کافی است به گزارش حزب توده نگاهی بیندازید "نماینده سندیکا فلزکار مکانیک یا همان (سخنگوی کمیته دفاع از حقوق مردم ایران (کودیر)) در روز ۹ ژوئن / ۲۰ خردادماه، به دعوت "مرکز بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی"، در اجلاس سالانه شورای مرکزی این نهاد فعال سندیکایی بین‌المللی که در ساختمان مرکزی سازمان جهانی کار در ژنو برگزار شد، نماینده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در سخنرانی‌اش در این اجلاس و در حضور عدهٔ پرشماری از نمایندگان هیئت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس سازمان بین‌المللی کار، پس از تشکر از رهبران مرکز بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی به‌خاطر دعوت از او به شرکت در این نشست، در ابتدا در رابطه با تاریخچه حیات و مبارزهٔ سندیکا از دهه ۱۳۲۰ تا زمان حاضر، با تأکید بر شرایط مشخص مبارزاتی در اولین دهه، مبارزهٔ سندیکایی در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مردادماه سال ۱۳۳۲ و معضلات کار سندیکایی مؤثر و اصولی در شرایط حکومت استبدادی و سرکوبگری ساواک و ارگان‌های فشار، شرکت مؤثر و تعیین‌کننده کارگران و فعالان سندیکایی در روند انقلاب و پیروزی آن، فعالیت‌های سندیکایی تا مقطع زمانی بسته شدن سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در سال ۱۳۶۲ و دستگیری فعالان و رهبر سندیکا، دورهٔ ۲۰ سالهٔ نبود شرایط برای حضور علنی سندیکا در عرصهٔ فعالیت قانونی تا سال ۱۳۸۳، و اعلام شروع دوبارهٔ کار سندیکا در سال ۱۳۸۴ و ادامهٔ آن در ۱۲ سال اخیر و عرصه‌های عمدهٔ فعالیت آن سخن گفت. او در توضیح شرایط فعالیت این سندیکا، به کارشکنی "خانه کارگر" و تشکل‌های وابسته به ارگان‌های رسمی و تلاش آن‌ها به‌منظور مهار هرگونه فعالیت سندیکایی و کلاً در مسیر ممانعت از متشکل شدن کارگران در "سندیکاهای مستقل، اشاره کرد

<http://www.tudehpartyiran.org/2013-12-03-22-31-04/3559-1028-5-4-8>

این جلسه مخفی نبوده است و تبلیغ علنی شده بود اما اینها از بردن نام ایشان خودداری می‌کنند، با درویی و تزویر از سیاست شان دفاع می‌کنند، نمی‌گویند که از کنفدراسیون از ایشان دعوت نکرده بود و ایشان از طرف کنفدراسیون پتروشیمی در رابطه با ایران صحبت کردند و کنفدراسیون پتروشیمی نمایندگان از کشور های بلوک شرق و احزاب برادر سابق می‌آیند و مساله انرژی مهم است و اما این سخنگو مثل سیاست همیشگی این سنت نشان داد که تا سال 62 شمسی و بعد از سال 84 در کجا قرار دارند. این فقط دو رویی نیست بلکه بی‌پرنسیبی نیز هست که تنها از ویژگی های این حزب است، امسال این حزب به گونه ای عمل کرد که حتی نام مشکلات کارگران ایران از گزارش سالانه حذف شود. از طرفی نیز علی‌محبوب رهبر حزب خانه کارگر را بعنوان نایب فدراسیون سندیکا های کارگری تثبیت کردند، در نشریات شان تماماً در جهت نظرات فدراسیون کار می‌کنند و حالا هم بسیار مرموز در جلسه تلویحا می‌گویند خانه کارگر فعالیت سندیکایی را با اما و اگر مهار می‌کند اما ما کار چاق کن آنها هستیم، خطی است که رژیم چراغ سبز آنرا در چند سال گذشته داده است

بخش اصلی کنفرانس شرکت و عدم شرکت چند فعال کارگری و رسیدن همکار سابق من حسن سعیدی بود، گزارش یک هفته ای از ایشان به همراه نشان افتخار برای کارگران ایران و گزارشی که از جانب ایشان ارائه شد. اولاً چرا رضوی و شهابی که در جریان ممنوع الخروج شان بودند به فرودگاه می‌روند؟ بهتر است از خودشان سوال کرد اما

سعیدی و من در زمان سندیکا بعنوان کسانی که از طرف سندیکا برای رسیدگی و اخراج فعالین کارگری از محیط کار انتخاب شدیم اما هیچگاه من به خود این اجازه را ندادم که از کارگران پولی دریافت کنم و خودم کار می کردم و نیازی نمی دیدم از کارگری که بیکار شده برای بازگشت به کارش پول بگیرم و هیچگاه ادعای حقوقی و وکالت هم نداشتم، در مورد سعیدی تنها یک بخش ماجرا را دیگران مطرح می کنند ولی بخش دیگرش این است که ایشان دعوت شده از جانب سازمان جهانی کار نبوده است و نشست های جانبی ایشان با سندیکاها و کنفدراسیونها نیز امری متداول است، یادم هست زمانی که منصور اسانلو از انگلیس برگشت تمام سعی خود را کرد که جمعیتی عظیم به پیشواش بروند تا خودش را با شیرین عبادی مقایسه کند اما کارگران واحد بسیار آگاه بودند و تحویل نگرفتند، خودش گفت که اتحادیه ها از او خواسته بودند دست از قهرمان شدن بردارد و مثل یک کارگر به فعالیتش ادامه دهد اما غرور کاذب ایشان اجازه نداد و از فردای بازگشت با ایران شروع به جلسه گذاشتن با دانشجویان کرد و آن شد که دیدیم و آخر و عاقبتش این است که فیلم های خودش را در استخرهای امریکا برای دوستان سابقش در شرکت واحد می فرستد و می گوید بیا بیاید اینجا بهشت است. بله برای کسی که زندگی از طریق پولهای جامعه باز سروس تامین شود و دوستانش سلطنت طلبان باشد بهتر از این نمی شود امریکا شاید برای امثال این افراد بهشت باشد ولی برای کارگری که حداقل دستمزد بگیراست و باید دو جا کار کند تا زندگی بخور نمیری داشته باشد بهشتی که آقای اسانلو از آن دم می زند نیست. همان اشتباه دوباره دارد تکرار می شود

سعیدی بعد از مدت کوتاه بازگشتش به ایران با سید رسول طالب مقدم به کنفرانس کیسک ترکیه رفت، کسانی که طالب مقدم را می شناسند برایشان يك سوال اساسی مطرح است که کسی که بیش از بیست سال در شرکت واحد استخدام دائمی است و از شورای اسلامی کار بوده و حق تعیین و تایید کاندیدهای شورای اسلامی با او بوده (یعنی نوعی همکاری با حراست) و در هیچ فعالیت 12 ساله سندیکا نقشی نداشته چرا ناگهان سخنگوی سندیکای واحد می شود؟ آن هم در کنفرانسی که اعضای اصلی اتحادیه اش بخاطر نزدیکی با جریانات کرد در زندان هستند و البته هر کدام از ما از شرایط حاکم بر ترکیه و اتحادیه و احزاب سیاسی اش پس از باصطلاح کودتا در جریان هستیم. فعالین کارگری یا سیاسیون سابق در خارج همیشه با کسانی که از نهادهای سرکوب آمده اند مرزبندی داشته اند اما چرا در این رابطه سکوت و یا همراهی می کنند! جای سوال بسیار است. همکاری چنین افرادی با سندیکا و تبدیل شدن آنان به سخنگوی این تشکل از مواردی است که باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. چه تغییر و تحوли در سندیکای واحد اکنون ایجاد شده است که چنین افرادی سخنگوی ان می شوند. سندیکائی که با فداکاری و هزینه های بسیار ایجاد شده و سالها زندان و محرومیت های فراوان برای اعضای فعال ان داشته است چرا باید به چنین وضعی دچار شود. چرا باید امضا جمع آوری کنیم برای خراب کردن همکار خودمان و اجازه بدهیم شیطننت های سیاسی آبروی سندیکا را ببرد. ضربه ای که اسالو به سندیکا زد را با خراب کردن همدیگر تشدید نکنیم و امیدوارم هر چه زودتر سندیکای شرکت واحد با برگزاری مجمع عمومی در شرائطی ازاد جایگاه واقعی خود را باز یابد

همایون جابری

عضو سندیکای کارگران اتوبوس رانی یوتا

جولای 2017